



10.22106/PR.2025.2057301.1045: شناسه دیجیتال (DOI)
مقاله پژوهشی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۳۶-۵۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

مطالعه حقوقی

«مفهوم و سازوکارهای صیانت از حقوق عامه؛ در اندیشه فقهای انقلاب»؛ مطالعه موردی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و مهدوی کنی (ره)

سیدمحمد مهدی غمامی*

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، کارگزاران بسیاری را در تاریخ خود تجربه کرده، ولی فقهای که جایگاه عالی‌ترین کارگزاران نظام، برای بسط آموزه‌های دینی، اقدام به اندیشه‌ورزی و گفتمان‌سازی نمایند و اندیشه‌هایشان در عرصه‌های مختلف، ضمن راهگشایی اصل و راهبردی باشد تقریباً کم‌نظیر است. در این میان حضرات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مهدوی کنی^(۱)، با درک دوران خفقان و رنج‌بردن از خشونت حکومت وابسته و نامشروع پهلوی، اندیشه‌های حکمرانی را در لوای حکومت دینی پس از انقلاب اسلامی شکوهمند ۱۳۵۷ ایران، تبیین و بسط دادند. از مهم‌ترین این رویکردها، صیانت از حقوق و آزادی‌های مردم است. هر دو فقیه یادشده بسیار قبل‌تر از جریان یافتن گفتمان حقوق عامه در دهه نود که به سند تحول در قوه قضائیه (۱۳۹۸) انجامید، در مباحث و دروس و جلسات مختلف، به مسئله احترام، تأمین و تضمین حقوق مردم به‌ویژه، «حقوق عامه» به‌عنوان تکلیف حکومت تأکید داشته و همانند همه ثرات فقه شیعه تصریح می‌کنند ضمن اقامه این حقوق، حاکم باید «مصالح عامه را بر مصالح خاصه مقدم دارد.» در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به این سؤال پاسخ خواهیم داد که «مبانی، مفهوم و سازوکار صیانت از حقوق عامه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و مهدوی کنی^(۲) چیست؟». ماحصل این تحقیق، علاوه بر تلاش‌های حکومت برای صیانت از این حقوق به‌ویژه از طریق سیاست‌گذاری، تقنین، قضا و تنظیم رفتار کارگزاران عمومی، بر اقدام خودجوش مردم مبتنی بر

* دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
ghamamy@isu.ac.ir

حق بر امر به معروف و نهی از منکر و تکلیف به آن (اصل هشتم قانون اساسی) که خود نیز موجد حق است دلالت دارد.

واژگان کلیدی: حقوق عامه، آیت الله خامنه‌ای، آیت الله مهدوی کنی (ره)، مردم، نظارت‌پذیری قضائی، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق حرفه‌ای.

مقدمه

از ویژگی‌های حکومت اسلامی در اندیشه فقهای شیعه، اجرای قواعد اجتماعی ازجمله «قاعده احترام» - سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ ... وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ ذِمَّتِهِ - (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، جلد۸: ۵۹۹) و قاعده «حق الناس» و تأمین آن به انحای گوناگون ازجمله از طریق نهاد «حسبه» است. اهمیت این احترام و تأمین هم به این دلیل است که شرعاً حقوق ایشان باید رعایت شود کما اینکه در ادبیات دینی، مردم «رعیت» خوانده شده‌اند یعنی مراعات‌شدگان.^۱ به علاوه آنکه در مکتب شیعه، التزام به سنت ائمه معصومین به‌ویژه حضرت علی (ع) در امر حکمرانی یک قاعده است کما اینکه آموزه‌های علوی مشحون از عباراتی است که کارگزاران را متوجه لزوم رعایت حقوق مردم فارغ از اعتقاداتشان می‌داند. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر بیان می‌کند: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباحث که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش». بنابراین شکی نیست که در حکومت اسلامی، بایسته‌هایی وجود دارد که از مهم‌ترین آن رعایت حقوق مردم است و به همین دلیل زعماء و فقهای شیعه نیز اگر به طرح مباحث اجتماعی و امر کارگزاری ورود کرده‌اند حتماً به‌طور صریح در آثار و اظهاراتشان نسبت به این مسئله اعلام نظر و طریق نموده‌اند؛ چراکه استقرار حکومت دینی، مستلزم توجه به حقوق مردم است: «أَنَّ الْعَدْلَ فِي الْقَضَاءِ وَالْحُكُومَةِ بَيْنَ النَّاسِ مِنْ أَكْبَرِ الدَّعَائِمِ الَّتِي يَقُومُ عَلَيْهَا التَّمْدِنُ الصَّحِيحُ، وَ الْمَجْتَمَعُ الصَّالِحُ فَلَا تَحْفَظُ بَدُونَهُ الْحَقُوقُ الْعَامَّةُ وَ الْمَصْلَحَةُ الْجَامِعَةُ». (صافی، بی تا، ج: ۱، ۱۹۹)

ازجمله این فقهایی که تجربه کارگزاری در مناصب عالی اجرایی نیز داشتند، آیت‌الله خامنه‌ای و مهدوی کنی^۲ هستند که البته از یک مبنای فکری مشابه نیز بهره‌مند هستند. هر دو از شاگردان امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند که هم در درس و هم در کارگزاری، التزام به مکتب ایشان داشته و دارند. امام خمینی (ره) در عبارتی بسیار لطیف به فرزندشان - مرحوم سیداحمد - چنین بیان می‌کنند که «پسرم سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می‌شود. سروکار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل‌تر است تا سروکار با انسان‌ها. به خداوند تعالی پناه می‌برم از گرفتاری خود

۱. «واژه «رعیت» به‌رغم مفهوم منفوری که تدریجاً در زبان فارسی به خود گرفته است، مفهومی زیبا و انسانی داشته است. استعمال کلمه «راعی» را در مورد «حکمران» و کلمه «رعیت» را در مورد «توده مردم» اولین بار در کلمات رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) و سپس به وفور در کلمات علی (علیه السلام) می‌بینیم. که به‌معنای حفظ و نگهداری است، به مردم از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده است که حکمران عهده‌دار حفظ و نگهداری جان و مال و حقوق و آزادی‌های آنهاست.» (مطهری، ۱۴۰۲: ۱۲۸)

و تو و مؤمنین در حقوق مردم...» (خمینی، ۱۳۹۴: ۱۱) (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۲۳۳)

بررسی زندگی و سیره آیت‌الله خامنه‌ای و مهدوی کنی^(۱) مبین اعتقاد راسخ به لزوم حفظ حقوق مردم و حقوق عامه است. آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (۲۹ فروردین ۱۳۱۸) با تجربه حکومت استبدادی پهلوی، سال‌ها به جهت مبارزه با خفقان ناشی از این حکومت دست‌نشانده، در زندان و شکنجه و تبعید در مناطق دورافتاده به‌سر بردند. بعد از انقلاب نیز با اقبال مردم، نماینده ایشان در مجلس، سپس منتخب منصب ریاست‌جمهوری و در ادامه رهبری انقلاب اسلامی را برعهده گرفتند. ایشان به‌عنوان فقهی شاخص که در عرصه‌های مختلف حل مسائل متعددی را در عرصه فقه حکومتی و اجتماعی برعهده داشته و دارند، از طریق احکام حکومتی، رهنمودها، فرامین و سیاست‌های کلی موضوع بند «۱» اصل (۱۱۰) قانون اساسی، مجموعه نهادهای عمومی را به لزوم رعایت، تأمین، تضمین و نظارت بر احترام به حقوق مردم و حقوق عامه فراخوانده و تکلیف کرده‌اند و تضمین این امر را در ابلاغ و الزام طرح تحول قضائی (ابلاغی ۱۳۹۹)^۲ و احکام رؤسای اخیر قوه قضائیه و دیدار با ایشان^۳ یادآور ساخته‌اند.

مرحوم محمدرضا حاج‌باقری مشهور به «مهدوی‌کنی» (ره) (۱۴ مرداد ۱۳۱۰ - ۲۹ مهر ۱۳۹۳)، از علمای شاخص انقلاب اسلامی است که بررسی ابعاد شخصیتی و اندیشه‌ها و تجربیات ایشان، می‌تواند سازوکار و رویه دولت‌داری در جمهوری اسلامی ایران را مکشوف سازد. ایشان که از اوان جوانی علیه دولت طاغوت قیام و از هجده‌سالگی سابقه تضییع حقوقشان را توسط رژیم منحوس پهلوی تجربه، و بعد از انقلاب نیز با تجربه مناصب عالی متعدد در نظام، خود را وقف علم و دانشگاه کاربردی برای تحقق دولت‌داری اسلامی در نظام کردند بیشتر در حوزه فقه و اخلاق شناخته می‌شوند تا در حوزه‌های دیگر ازجمله حقوق و توجه به الزامات حقوق عمومی که به تنظیم و تعادل مابین قدرت و آزادی‌ها می‌پردازد.

با در نظر گرفتن جایگاه اصل چهارم قانون اساسی در نظریه حکمرانی ایران و همچنین جایگاهی که اندیشه‌های فقهی در فهم مسائل و الزامات این حکمرانی دارند و با عنایت به جایگاه هر دو فقیه یادشده در حکمرانی چهل‌ساله اول انقلاب، سؤال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه «از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی، «حقوق عامه» چه مفهومی دارد و سازوکارهای صیانت و احیای آن چیست؟».

۱. «احیا و استیفای حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع مردم از وظایف مهم قوه قضائیه است و این قوه باید پرچمدار این موضوعات باشد و با مخالفان و معارضان حقوق عمومی در هر جایگاهی، مقابله کند.»

۱. پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه از مرحوم آیت الله مهدوی کنی (ره) آثار مکتوب چندانی در دست نیست و با عنایت به اینکه حول اندیشه‌های ایشان بیشتر مطالعات سیاسی و قضاتی صورت گرفته است و وی به عنوان سیاستمدار صادق و فقیه بصیر شناخته می‌شود، ولی باید در نظر داشت که وی فردی محبوب در میان عامه مردم بود؛ چرا که به نحو اصولی از حقوق و مصالح ایشان حمایت و بر آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی پافشاری می‌داشت. بنابراین هرچند درباره نظریات ایشان از جمله «دین‌سالاری مردمی» که به نحو معناداری با اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای به‌ویژه از حیث کارکردهای مجلس خبرگان تفاوت وجود دارد، مطالعات متنوعی توسط پژوهشگران صورت گرفته ولی در زمینه اندیشه‌های ایشان ناظر به حقوق عامه و آزادی‌های عمومی، تحقیقی مستقل و در خور انجام نشده است. این در حالی است که به دلیل تمرکز آیت الله خامنه‌ای بر مفهوم حقوق عامه، تحلیل‌های قابل‌توجهی که ارجاعاتی به بیانات معظم له داشته‌اند وجود دارد ولی اندیشه‌های ایشان نیز در این مورد مستقلاً مورد تمرکز و مطالعه قرار نگرفته است. از این جهت این مقاله، به‌ویژه با رویکرد مقارنه‌ای دو اندیشمند یادشده، فاقد پیشینه تحقیقی است کما اینکه آثار چندانی نیز در حوزه مطالعات فقهی، ناظر به تبیین مسائل حوزه حق‌های عامه با توجه به کاربرد جدی این مفهوم و نهاد فقهی - حقوقی در حوزه نظام حکمرانی کشور صورت نگرفته است.

۲. برداشت از حقوق عامه

در برداشت مفهوم حقوق عامه نزد آیت الله خامنه‌ای و مهدوی کنی (ره)، شایسته است هم رویکرد نظری ایشان را به مبانی حق‌ها و هم ساخت دولت در کنار تجربه دهشتناک حکمرانی رژیم سفاک پهلوی که در آن زمان امکان شکل‌گیری نهاد ضامن حقوق مردم - قانون راجع به شورای دولتی (مصوب ۱۳۳۷) هیچ‌گاه و به هیچ نحوی اجرا نشد - نیز وجود نداشت در نظر گرفت.

۲-۱. مبانی و تعریف حق‌های عامه

آیت الله خامنه‌ای و مهدوی کنی (ره) هر دو فقیه سیاسی هستند و به مبادی و مبانی مسائل حکمرانی اشراف دارند. بنابراین لازم است ابتدا یک فهم دینی از «حقوق عامه» داشت که بر دو مبنا قابل تبیین است: (۱) تحلیل فقهی، (۲) تحلیل فلسفی - کلامی.

۲-۱-۱. فهم فقهی از حقوق عامه

حق به معنای خاص فقهی، نوعی سلطه قراردادی است بر عین (مانند حق تحجیر و رهن) یا بر

انسانی دیگر (مانند قصاص و حضانت) یا بر امری اعتباری (مانند حق خیابان در عقد). براین اساس، حق نوعی ملک به شمار می‌رود، ولی مرتبه‌ای ضعیف از ملکیت است که گاه از آن به «ملکیت نارسیده» تعبیر می‌شود، همچنان که ملکیت بر منافع مرتبه‌ای ضعیف‌تر از ملکیت بر عین به شمار می‌رود. (طباطبائی‌یزدی، ۱۳۷۸: ۵۵) به تصریح بسیاری از فقها حق به مفهوم یادشده، مانند بسیاری از امور وضعی عرفی و شرعی، وجود اعتباری دارد، نه وجود حقیقی و خارجی. برای مثال به‌نظر حکیم، شیء مملوک (عین) گاهی مستقل و قائم به خود (اعم از عین خارجی مانند خانه، و عین در ذمه مانند ثمن در بیع نسبه) است و گاهی امری است قائم به چیز دیگر که اعتبارکردن آن با استناد آن به مالک ملازمه دارد؛ از این نوع ملک، به «حق» تعبیر می‌شود، مانند حق قصاص که وابسته به وجود شخص جانی است و با مرگ وی، حقی وجود نخواهد داشت. پس، همه اعیان خارجی، اموال در ذمه و نیز منافع اعیان از محدوده حقوق خارج‌اند، زیرا اعتبار ملکیت در آن‌ها بدون استناد به مالک ممکن است. (الطباطبائی الحکیم، ج ۱، ۱۳۷۱: ۶-۷) آخوند خراسانی (صاحب کفایه) حق را اعتباری خاص غیر از ملک و سلطنت می‌داند که برای آن آثار مخصوصی است. ازجمله آثار این اعتبار خاص، سلطنت است؛ همچنان که سلطنت از آثار ملک هم هست. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۴) مرحوم خوانساری (صاحب جامع‌المدارک) نیز توضیحاتی در مفهوم حق دارد که می‌تواند در دنباله و توضیح رأی مرحوم آخوند خراسانی دسته‌بندی شود. وی پس از نقد رأی اول در تعریف حق، می‌گوید: «ظاهراً حق خودش سلطنت نیست، بلکه اعتباری است عقلایی که سلطنت به آن تعلق می‌گیرد؛ مانند اعیان و منافع (که سلطنت مالکانه به آن‌ها تعلق می‌گیرد). (خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۳: ۷۰-۶۹) بنابراین بیان، همچنان که مالک عین، بر عین سلطنت دارد، یا مالک منفعت، بر منفعت سلطنت دارد، حق هم چیزی است که صاحب آن، بر آن سلطنت دارد. از آنجا که حق ممکن است به عین تعلق گیرد - مانند حق رهن که به عین مرهونه تعلق می‌گیرد - بنابراین باید گفت سلطنت در این‌گونه موارد، به یکی از متعلقات عین که همان حق رهن نسبت به عین است، تعلق گرفته است. مفهوم تعلق به متعلق، در اینجا، این خواهد بود که مرتهن، بر عین مرهونه، از تسلط همه‌جانبه، آن‌چنان که مالک عین دارد، برخوردار نیست؛ بلکه تسلط او بر جانی از جوانب عین است. این تسلط، در مورد رهن، عبارت از امکان فروش آن، در محدوده اخذ دین خود، در شرایط معین است.» سخنی طولانی از امام‌خمینی (ره) هم درباره ماهیت حق وجود دارد که می‌تواند، موافق با همین رأی دوم قلمداد شود. ایشان حق را ماهیتی اعتباری نزد عقلا یا شارع مقدس می‌داند که به‌صورت مشترک معنوی، یعنی با معنایی یکسان در همه موارد حقوق، وجود دارد و غیر از ماهیت اعتبار ملک یا سلطنت است؛ هرچند نزد عقلا، سلطنت به آن تعلق می‌گیرد. (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۱-۲۲)

کلمه عام از ریشه «عمم» به معنای کثرت و علوّ و برگرفته از «عموم» است و از آنجا که عموم به معنای شمول و فراگیری است، (راغب، مفردات، ۵۸۵؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۲۴/۶) معنای عام باید شامل، فراگیر و در برگیرنده همه افراد باشد. (فراهیدی، کتاب العین، ۹۴/۱؛ حمیری، شمس العلوم، ۴۳۰۹/۷) در برابر آن، کلمه خاص از ریشه «خصص» است (فراهیدی، کتاب العین، ۹۵/۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ۲۵/۷) که به معنای غیر شامل و ضیق است. بدین ترتیب «عامه» دلالت بر همگان و جمع افراد دارد و از باب قید به معنای آنچه متعلق به «همه» است. از این جهت این حق ها قابل انحصار نیست و البته در انحصار یک عده محدود هم نیست. بنابراین در معنای فقهی «حقوق عامه»، اعتبار تسلط و اختیار همه افراد جامعه بر هر آن چیزی است که شرع مقدس آن را شناسایی کرده است. به عبارت دیگر این «حقوق» وابسته به حیات و بقای جامعه است و نفی آن ها اختلال در حیات و بقای جامعه است. با در نظر گرفتن اینکه آیت الله مهدوی کئی (ره)، شاگرد فقهی امام خمینی (ره) محسوب می گردد. ایشان نیز قاعداً برای حق ماهیتی اعتباری باید در نظر داشته باشند. و همین درک فقهی را از حقوق عامه افاده کنند.

۲-۱-۲. فهم فلسفی - کلامی از حقوق عامه

فهم مفاهیم و نهادها از منظر اندیشمندان، بدون درک مبانی اندیشه ای ایشان ممکن است. در اندیشه مقام معظم رهبری که هم در بیانات و هم احکام و سیاست های ابلاغی ایشان با رویکرد محوری حکمرانی و حل مسائل آن وجود دارد، همواره تصمیم سازی و قانون گذاری بر مدار احکام و موازین اسلامی یک رکن است کما اینکه در بند (۱) سیاست های کلی نظام قانون گذاری (۱۳۹۸) بر این مبنا به عنوان اولین مبنای قانون گذاری تأکید شده است: «توجه به موازین شرع به عنوان اصلی ترین منشأ قانون گذاری در تنظیم و تصویب طرح ها و لوایح قانونی.» در تحلیل مفاهیم نیز ایشان مبنای علمی آن را نیز به الزامات دینی و مؤکداً قرآن کریم ارجاع می دهند: «این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه ای، بدون اینکه هیچ گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می آوریم تو دانشگاه های خودمان و در بخش های مختلف این ها را تعلیم می دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش های مهم پژوهش قرآنی این است، باید در زمینه های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب نظران در علوم مختلف انسانی می توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می توانند از پیشرفت های دیگران، غربی ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.» (دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

براساس همین رویکرد، ایشان در جمع فقهای عضو مجلس خبرگان ناظر به حفظ حقوق و آزادی‌های مردم بیان می‌دارند: «فارغ از اینکه یک فرد مسلمان است یا غیرمسلمان، و یا به نظام اسلامی وفادار است یا نیست، حقوق عمومی آن باید محفوظ باشد، مثلاً نباید در کشور ناامنی وجود داشته باشد، و باید آزادی و نگاه عادلانه برای همه مردم یکسان باشد.» (بیانات در جمع اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۸/۷/۴) چنین فهمی از حقوق مردم و حقوق عامه از آن دسته اندیشه‌های فقهی بر می‌آید که مفاهیم اجتماعی را در پرتوی کارکردهای اجتماعی آن‌ها تحلیل می‌کند. «این نگاه رهبری که البته جدید نیست و بارها و بارها تکرار شده است، برگرفته از مبانی دینی است. این یک افتخار بزرگ برای اجتهاد شیعی است که خود را پاسدار حقوق عامه می‌داند؛ حتی مخالفان خود. حاکم شرعی نه تنها خود را موظف به تأمین و حفظ حقوق عامه می‌داند، بلکه انگیزه‌ی بیشتری نسبت به سایر حکام دارد. زیرا زمامداری که خود را از جانب کسانی، حداکثر مانند خود، مأمور به رعایت برخی حدود و حقوق می‌دانند، حتماً انگیزه‌ای ضعیف‌تر از کسی دارند که بنا بر یک رسالت الهی چنین وظیفه‌ای احساس می‌کند. این زمامدار، نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان را، حداکثر پیمان‌شکنی با مردم می‌داند؛ ولی حاکم اسلامی، علاوه بر این، نقض حقوق عامه را نقض عهد خدا هم می‌داند. از سوی دیگر حکومت‌های ناشی از دموکراسی محض، خود را تحت نظارت سازمان‌های رسمی و پاسخ‌گویی آنان می‌دانند که معمولاً ناقص و کم‌کارآمد هستند. اما حکومت دینی، علاوه بر این، خود را تحت نظارت و ملزم به پاسخ‌گویی خدا نیز می‌داند که همیشه و همه‌جا از رفتار و حرکات و حتی تمایلات درونی آن‌ها آگاه است.» (اسماعیلی، ۱۳۹۸/۷/۲۳)

از نظر آیت الله مهدوی «ما معتقدیم در علوم انسانی که مبانی فلسفی دارد، این مبنای نظری باید مورد توجه قرار گیرد و خلاصه پایه‌های معرفتی و جهان‌شناختی ما بر جهان‌شناسی الهی استوار باشد.» (مهدوی، ۱۳۸۰: ۵) بنابراین مبنای حق‌ها را، آموزه‌های دینی می‌داند و قانونگذار را ملزم به قانونگذاری در این راستا فرض کرده و فهم هنجارهای حقوقی را هم از همین مجرا تبیین می‌کند. «اصول حقوقی، اصولی است که از طرف قانونگذار تشریع می‌شود که علی‌القاعده باید متناسب با اصول تکوینی و فلسفی بوده و از آن نشئت گیرد. بنابراین، در یک مکتب الهی برای تشریع اصول حقوقی، قانونگذار تناسب میان اصول حقوقی و تکوینی و احکام فرعی را رعایت خواهد کرد.» (مهدوی کئی، ۱۳۷۹: ۱۸۳) به این ترتیب ایشان تصریح می‌کنند: «در حکومت الهی و دینی حدود و وظایف و اختیارات و حقوق حاکم بر مردم و حقوق مردم بر حاکم از سوی خداوند معین می‌شود و اگر جز این تصور شود، حکومت الهی مفهوم و مصداقی نخواهد داشت.» (مجله پیام صادق، شماره ۹، بهمن و اسفند سال ۱۳۷۵، صص ۴-۹ و ۳۱-۳۴)

ازاین منظر هر دو اندیشمند حق عامه به‌عنوان یک مفهوم باید دارای مبانی و تبیین دینی باشد یا بر مبنای مبانی معرفتی دینی و اصول حقوق اسلامی توضیح داده شود. حدود این حقوق نیز به موازین اسلامی مقید است. به‌عبارت‌دیگر حقوق عامه: مجموعه حقوق اعضای جامعه اسلامی مشترکاً، که مبتنی بر موازین اسلامی به‌ویژه احکام جمعی باشد.

۲-۲. حقوق عامه به‌مثابه کارکرد حکومت اسلامی

آیت‌الله مهدوی کنی (ره)، ساختار حکومت دینی را بر مبنای ولایت فقیه^۱ ملتزم به مصالح عامه فهم کرده و البته از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام را صیانت از حقوق مردم و اهتمام به عدل و اصل «صلاحیت» در تأسیس و بقا می‌داند. «حکومت مردمی آن نیست که تنها در مقام حدوث با پشترانه مردمی ایجاد شود، بلکه حکومت مردمی آن است که در مقام حدوث و بقا از پشتیبانی و رضایت مردم برخوردار باشد. مخصوصاً در بقا تحصیل رضایت مسلمین با عدل و داد و اجرای حدود الهی از ارکان مردمی‌بودن حکومت است و احیاناً اتفاق افتاده که حکومتی در مقام حدوث با اراده‌ی مردم تأسیس نشده است، لکن در بقا به‌خاطر کارکردش از پشتیبانی عمومی و مردمی برخوردار شده است. آنچه در مشروعیت حکومت لازم است، اصل صلاحیت حاکم است، به شرط آنکه در مقام بقا تمام اهتمام خود را در تقویت اصول مکتب و ارزش‌های ناشی از آن و با گسترش عدل و داد و جلب اعتماد عمومی نسبت به آبادانی کشور و رفاه نسبی ملت همت گمارد و با اجرای قانون و تقدیم ضوابط بر روابط، در کشور امنیت واقعی یا به تعبیر قرآن امنیت توأم با اطمینان و اعتماد، برقرار سازد تا مظلومان احساس امنیت کنند و ستمگران از ادامه ظلم و ستم بهراسند.» (مجله پیام صادق، شماره ۹، بهمن و اسفند سال ۱۳۷۵، صص ۴-۹ و ۳۱-۳۴) توجه مرحوم مهدوی کنی به «اصل صلاحیت» که خروج از آن منجر به خروج از مشروعیت می‌گردد و توجه ایشان به «اصل حاکمیت قانون» در قالب عبارت دقیق «اجرای قانون و تقدیم ضوابط بر روابط» با درنظرگرفتن سطوح حاکمیت قانون و اعتقاد ایشان به اسلامی‌بودن مندرجات هنجاری و ماهوی سطح حاکمیت قانون ماهوی، دال بر این است که مصالح و حقوق عامه، در حکومتی تأمین می‌گردد که هم مردم‌بنیاد باشد کما اینکه در اصل (۶) و (۵۶) قانون اساسی به این ایده اشاره شده است و هم مهم‌تر آنکه، در عملکرد آتی خود، ظرفیت صیانت از حقوق و برپایی عدل و قسط را داشته باشد.

۱. «ولی در مقام عادی بهترین راه همین است که ولایت دست یک نفر باشد که او مجموعه زیر پوشش نظام را هدایت کند که شامل سه قوه قضائیه، مقننه، مجریه و نهادهایی که زیر پوشش آن‌هاست، می‌باشد. از این طریق اعمال ولایت می‌شود. ولی امر هم، صلاح مردم، کشور و دین را می‌خواهد.» (سخنرانی تلویزیونی آیت‌الله مهدوی کنی به‌عنوان کاندیدای انتخابات میان دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری (دوره چهارم) در اسفندماه سال ۱۳۸۶ - پخش از شبکه تهران)

تأمین و تضمین حقوق عامه نیز در منابع دینی از اصول اسلامی است که اولاً برعهده حاکم جامعه اسلامی است. کاشف الغطاء ذیل بحث وقف به جایگاه حاکم در صیانت از حقوق عامه حکم می‌کند: «الوقف العام الناظر الشرعي كالحاكم و أمينه لانه ولي الحقوق العامة و ولي أهلها في القبض عنهم و الدفع اليهم في الزكوات و الاخماس و النذور العامة فإن لم يوجد الحاكم تولی ذلك أحد عدول المسلمين عنهم لمكان الضرورة و علی ما اخترناه» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳)؛ ثانیاً باید بر تضمین آن نهایت دقت و ملاحظه را داشت. در برخی متون حتی دولت اسلامی از حبس حقوق عامه بر حذر دانسته شده است. به‌ویژه حقوق عامه‌ای که جنبه اقتصادی داشته باشند و برای حیات جامعه لازم ارزیابی گردد. «تسريع در اتفاق و پرهیز از حبس حقوق عامه، یکی از ویژگی‌های اساسی سیاست اقتصادی در اسلام است. اسلام با همه تأکیدی که بر لزوم اعتدال و میانه‌روی و حتی برنامه‌ریزی و اندازه‌گیری در اتفاق ابراز نموده است، درعین حال، حبس بی‌جهت حقوق عامه را شدیداً مذمت کرده و بر تسريع در اتفاق، تأکید نموده است. وضعیت مطلوب در اتفاق بیت‌المال را باتوجه به این دو ویژگی می‌توان چنین بیان نمود که هرگاه براساس يك برنامه‌ریزی، بخشی از درآمدها برای مورد خاصی درنظر گرفته شود، به‌گونه‌ای که هم درآمد و هم محل مصرف، هر دو فعلی (موجود) باشند، تأخیر اتفاق در چنین مواردی «اخبار» و «امساک» محسوب می‌شود و موضوع روایات «اجتناب از انباشته‌شدن بیت المال» نیز چنین مواردی است.

اهتمام پیامبر اکرم در رعایت این اصل، به‌گونه‌ای بود که هرگاه حتی مقدار کمی از اموالی که باید به دست مستحقان آن می‌رسید، نزد ایشان باقی می‌ماند، آثار اندوه در چهره آن حضرت نمایان می‌گردید. «(ری‌شهری، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۴۱. این تأکیدات مؤکد بر حقوق عامه و توجه به این اصطلاح که در ادبیات حقوق مدرن وجود ندارد و در فقه از دیرباز به‌عنوان وظایف حاکمیتی دولت شناخته می‌شود دال بر اصالت این مفهوم در ادبیات دینی و فقهی است. این اصطلاح اولین بار از ادبیات فقهی و تلاش قضات مسلط به مبانی فقهی، در متن قانون «اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه»^۱ (مصوب ۱۲۹۰/۴/۲۵) و بعد از آن در «قانون اصول تشکیلات عدلیه» (مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷) به‌عنوان تکالیف دستگاه قضائیه شرعی، به نظام تقنینی نوپای کشور که به

۱. ماده ۱۰۷ - مسئولیتی که ناشی می‌شود از جرم دارای دو حیث است:

یکی حیثیت شخصی و دیگری حیثیت عمومی. حیثیت شخصی در وقتی است که ضرر جرم یا تفسیر بشخص معین تعلق گیرد و حیثیت عمومی در موقعی است که ضرر راجع به حقوق عامه باشد. لهذا اداره مدعی‌های عمومی به‌حکم قانون برای حفظ حقوق عامه تأسیس می‌شود.

ماده ۱۰۸ - مدعی‌های عمومی عبارتند از هیئتی از رؤساء ضابطین عدلیه که در موارد مقرر قانونی در محاکم عدلیه حاضر بوده وظایف خود را نسبت به حفظ حقوق عامه و نظارت اجرای قوانین انجام می‌دهند.

تازگی حاکمیت قانون و اداره کشور را براساس هنجارهای تقنینی تجربه می‌کرد باز شد و البته در آینده به‌ویژه حتی با ذکر این عبارت در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۵۶) حسب حضور علمای برجسته در مجلس خبرگان قانون اساسی، کمتر در مفهوم و معنای آن تتبع گشت. این اهتمام برای تأمین حقوق عامه؛ در سال‌های اخیر حکمرانی به جهت تأکیدات مقام معظم رهبری مورد اهتمام قرار گرفته و این تأکیدات به سند تحول قضائی در سال ۱۳۹۹ انجامیده است. باین‌وجود طراحی سازوکارهای عملی آن نیاز به توجه به مبانی و تلاش برای ارزیابی اثربخشی الگوهای دارد که بعضاً با مبانی ممکن است هم‌سنخ نباشند.

۲-۳. تجربه و سیره قبل انقلاب و پس از انقلاب

۲-۳-۱. تجربه و سیره قبل از انقلاب

۲-۳-۱-۱. آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای از مردمی‌ترین روحانیون انقلابی محسوب می‌شود که برای آزادی از حکومت وابسته و مستبد پهلوی در بین نخبگان و دانشجویان دارای نفوذ کلام و استدلال بود. ایشان با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام‌خمینی در سال ۱۳۴۱ش وارد عرصه‌های گوناگون مبارزه با طاغوت شد. وی در جریان آگاه‌سازی مردم در مساجد و منابر برای اولین بار در ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ مقارن با هفتم ماه محرم ۱۳۸۳، دستگیر و در مشهد زندانی شد. بعد از آن مکرر دستگیر و بازداشت و حبس شد. سخت‌ترین دوره حبس به دی ۱۳۵۳ برای ششمین بار به زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری در تهران برمی‌گردد. به گفته خود دشوارترین و سخت‌ترین وضعیت حبس خود را تجربه کرد. او در حبس، اجازه ملاقات نداشت و از وضعیت و محل حبس او اطلاعی به خانواده‌اش نیز داده نشده بود. ایشان در شهریور ۱۳۵۴ آزاد شد و مجدد فعالیت‌های خود را شروع کرد. وی در اواخر سال ۱۳۵۴ مخفیانه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن را با نام مستعار سیدعلی حسینی منتشر کرد و البته اقدامات مردمی خود را نیز دنبال می‌کرد کما اینکه در خرداد ۱۳۵۵، به دنبال وقوع سیل در قزوچان، گروهی را تشکیل داد که از مشهد برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده به آن شهر اعزام شده و با استقرار در مدرسه عوضیه آن شهر به امدادرسانی پرداختند. مجموعه این اقدامات که جذب مردم به افکار و منش او و انقلاب منجر شده بود پس از شهادت سیدمصطفی خمینی، باعث تبعید ایشان توسط ساواک به مدت سه سال به ایران‌شهر در ۲۳ آذر ۱۳۵۶ شد. سخنرانی‌های او در مسجد آل‌رسول ایران‌شهر، پیام انقلاب را به جنوب شرق کشور و همراهی علمای اهل سنت نیز شد. توجه به مسائل مردم به‌ویژه با وقوع سیل در ایران‌شهر در ۱۱ تیر ۱۳۵۷ با تجربیات گذشته و بسیج مردم و روحانیون یزد و مشهد از برنامه‌های ثابت ایشان بود. این تلاش‌ها باعث

شد که در مرداد ۱۳۵۷ ایشان به جبرفت تبعید شد ولی با شدت گرفتن انقلاب، در اول مهر ماه به مشهد مراجعت و فعالیت‌های انقلابیون را در آنجا هدایت می‌کنند.

۲-۳-۱. آیت‌الله مهدوی کنی

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (ره) تجربه نقض شدید حقوق و آزادی‌ها را با بازداشت، تبعید و شکنجه خود و یاران همراهش، داشته و به‌طور عملی تلخی آن را درک کرده است. اولین دستگیری آیت‌الله با نقض آزادی بیان ایشان شروع شد جایی که ایشان به دلیل نام‌بردن نام امام‌خمینی (ره) و نهضت در مسجد جلیلی، توسط ساواک چندین بار احضار و درنهایت در شب ۲۳ رمضان ۱۳۵۳ بعد از برگزاری شب احیاء، احضار و مستقیماً به پوکان استان کردستان تبعید شدند. جلسات و بیانات صریح ایشان در تبعید، بعد از مدتی منجر به انتقال ایشان با اعمال شاقه و منع از انجام آزادی‌های دینی، از تبعید به زندان مخوف کمیته مشترک ضدخرابکاری شد که همان روز دستگیری ایشان، آقایان لاهوتی، هاشمی و طالقانی نیز دستگیر شدند. دو ماه ابتدایی ایشان در این زندان مخوف به‌حدی همراه با شکنجه بود که در خاطراتشان بیان می‌کنند: «قریب دو ماه شکنجه و فشار ادامه داشت و پاهای من زخم شده بود تا ۵۰ روز نمی‌توانستم حمام بروم و یا پاهایم را بشورم، چون زخم‌ها خیلی زیاد بود و هر روز ما را می‌بردند پانسمان می‌کردند و می‌آوردند. عضدی که معاون فرمانده ساواک آنجا بود گاهی مرا می‌دید و می‌گفت مهدوی! بالاخره توی باغ نیامدی؟ تو آخر یک کلمه راست به ما نگفتی...» (خواجeh سروی، ۱۳۹۶: ۱۵۶) بعد هم ایشان مدت‌ها در سلول انفرادی محبوس و سپس به زندان اوین منتقل شدند.

به این ترتیب هر دو اندیشمند نقض مجموعه‌ای از حق‌های عامه همانند آزادی بیان، اقامه شعائر، آزادی تجمعات و همچنین آزادی‌های مشروع در مقابل چشمان و با تمام وجود لمس شده بود و قاعدتاً هر دو برای جلوگیری از تکرار این چنین رفتارهای غیرانسانی، خشن، تزیلی و تحقیرآمیز مصمم‌تر باشند.

۲-۳-۲- تجربه و سیره پس از انقلاب

۲-۳-۱. آیت‌الله خامنه‌ای

از تمایزات برجسته آیت‌الله خامنه‌ای در نسبت با بسیاری دیگر از فقهای انقلاب، توجه مکرر ایشان به جایگاه مردم در حکمرانی، مردمی‌سازی اداره کشور و الزام به حفظ حقوق ایشان به‌ویژه در سپهر عمومی است. مجموعه بیانات، رهنمودها، احکام و گردشکارهای ایشان در کسوت‌های مختلف نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و رهبری همگی مبین یک خط مشی واحد است. چنانکه علاوه‌بر توجه مکرر به این مقوله در قالب‌های مختلف، در سیاست‌های مختلف نظام به انحاء گوناگون بر موضوع احترام و حفظ و صیانت از حقوق و آزادی‌های مشروع تأکید داشته‌اند. کما اینکه موضوع

«حقوق عامه» در مورخ ۱۳۷۷/۲/۵ در اولویت‌های سیاست‌گذاری کمیسیون حقوقی - قضائی مجتمع تشخیص مصلحت [جزء ۲ بند هـ] قرار گرفته است که اخیراً و مجدداً بر اساس اقتضائات و تحولات نظام قضائی در حال تدوین است.

۲-۳-۲. آیت‌الله مهدی کنی^(۱)

مرحوم آیت‌الله مهدوی یک فقیه انقلابی که به الزامات هم فقهی مقید بود و هم به مشی انقلابی مطابق تدابیر امام خمینی (ره)؛ بنابراین هرچند پس از انقلاب مسئولیت کمیته انقلاب به وی داده شد اساساً تدریجی نکرد و با هر تد روي که خاصه حقوق عامه را توضیح می‌کرد همراهی نمود. به یک معنا ایشان و مرحوم شیخ صادق خلخالی را می‌توان صاحب دو مشی متفاوت در نسبت با حقوق مردم دانست. ایشان نقل می‌کنند: «یک نفر از طرف آقای خلخالی از شهرکرد نزد من آمد که حکمی روی یک کاغذ پاره‌ای با خط و امضای آقای خلخالی دستش بود. محتوای آن این بود که این آقا مأمورند که تمام اموال یکی از خان‌ها و ارباب‌های شهرکرد را توقیف کند، حال اینکه خان کجاست؟ اموالش چی است؟ منقول است یا غیرمنقول؟ معلوم نبود.» در توضیح بیشتر و در نظر داشتن مشی فقهی و التزام به اصل «الناس مسلطون علی اموالهم» که از مسلمات فقهی است، مرحوم مهدوی کنی توضیح می‌دهد که «بنده به همان روال طبیعی آخوندی و فقهی خودمان، گفتم آقا، من این حکم را قبول ندارم؛ بنده هیچ نیرویی به شما نمی‌دهم، یعنی چه؟ شما ممکن است بروی و هزار خانه را هم به نام خانه آن آقای خان توقیف کنی، کسی نمی‌تواند بگوید نیست؟ چون قاضی نوشته است که محدوده‌اش کجاست؟» در آن روزهای سخت کسانی مانند شیخ صادق خلخالی و همراهانشان که مشهور به اقدامات تند و کمتر ملزم به الزامات دادرسی عادلانه بودند، در این رویکرد از جمله اقدامات قضائی یا غیرقضائی - سیاسی پسا انقلاب و تغییر رژیم، این است که باید با سرعت حقوق از دست رفته مردم و قربانیان خشونت رژیم قبل، با اقتدار سرکوب و ریشه کن گردد. (Simić, 2016: 1-4) این رفتارها که علی‌الاصول همراه با خشونت و نفی دادرسی عادلانه است براساس نظریات مربوط به «عدالت انتقالی»^۲ توجیه و تبیین می‌شود. در مقابل مشی افرادی مانند مرحوم شهید بهشتی و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی که رویکردهایی مبتنی بر عقلانیت و دوراندیشی داشتند به محافظه‌کاری و غیرانقلابی بودن متهم می‌شد، مرحوم مهدوی کنی تصریح می‌داشتند: «یک چنین برخوردهایی داشتیم، لذا از اول انقلاب، من را جزو محافظه‌کارها می‌دانستند و می‌گفتند این آقا انقلابی نیست و من هم نمی‌خواستم آن‌گونه انقلابی باشم.» (مهدوی کنی، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی) این رویکرد البته مورد تأیید امام خمینی (ره) نیز در فرمان هشت ماده‌ای (مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۴) خطاب به همه

دستگاه‌های حکومتی قرار گرفت و رئیس وقت دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر مسئول رسیدگی به آن شدند. در بند ششم این فرمان که اصول متعددی از اقدامات آن زمان را محل تعریض قرار داد تصریح شده است: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شوند بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.» (فرمان هشت ماده‌ای امام‌خميني (ره)، ۱۳۶۱)

بنابراین در اقدامات آیت‌الله مهدوي کني (ره) با وجود مسئولیت استقرار امنیت عمومی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظم عمومی که از نیازهای اساسی جامعه نیز محسوب می‌گردد سه شاخص اصلی وجود داشت: الف) نظم و امنیت با لحاظ حقوق و آزادی‌های مشروع اعمال می‌گردد. در این ملاحظه امنیت نمی‌تواند موجب سلب آزادی‌های مشروع گردد کما اینکه اصل نهم قانون اساسی نیز بر این قاعده تصریح می‌کند.

ب) به حقوق کسی تعرض نمی‌شود و اعمال مجازات به موجب قانون و بعد از رسیدگی در دادگاه صالح انجام می‌شود.

ج) هیچ کسی جز قاضی یا رعایت موازین دادرسی عادلانه، حق صدور حکم تحدید آزادی و یا اعمال مجازات ندارد.

این اصول کلی در مشی مرحوم مهدوي کني (ره)، علاوه بر اینکه نشان از التزام ایشان به الزامات فقهی از جمله تسلیط و برائت دارد نشان از التزام ایشان به قانون اساسی به‌ویژه فصل حقوق ملت از جمله اصل دارد که تصریح می‌کند: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای در رهنمودها و سیاست‌های خود بر لزوم احترام به حقوق عامه و آزادی‌های مشروع توسط مسئولین قضائی (دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۶/۴/۱۲) به‌ویژه دادستان‌ها (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۴۰۱/۴/۷) تأکید داشتند و آیت‌الله مهدوي نیز به صراحت در بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق(ع) (۱۳۹۳/۳/۲۷)، این دانشگاه را که خود برای تأسیس آن عمری مجاهدت کردند را وفق بند نهم، متعهد به آرام بشری و حرمت و کرامت انسانی می‌داند.

۲. صیانت و احیای حقوق عامه به مثابه وظیفه حکومت

مرحوم آیت الله مهدوی کنی (ره)، به جهت آنکه خود مناصب عالیه حکومتی را طی کرده بودند و ضمناً با معارف عمیق دینی نیز به عنوان یک فقیه آشنایی کامل داشتند همواره نسبت به صیانت از حقوق عامه توجه ویژه‌ای داشتند به‌ویژه آنکه با تأسیس یک دانشگاه درصدد، تعلیم این ملاحظه راهبردی در دولت‌داری و حکمرانی بودند. از نظر ایشان مردم‌سالاری و مردمی‌بودن صرفاً در بدو انقلاب محقق نمی‌شوند بلکه بقائاً نیز باید دولت مردمی باشد: «حکومت مردمی آن است که در مقام حدوث و بقا از پشتیبانی و رضایت مردم برخوردار باشد.» (مجله پیام صادق (ع) ش ۹، بهمن و اسفند ۱۳۷۵) این بقا نیز به صراحت از دیدگاه ایشان باید در کارکرد و عملکرد متجلی باشد. البته ایشان مردمی‌بودن را پارادایم ولایت نصبی و مقبولیت مردمی در بقا تحلیل می‌کنند که این نیز از شاخص‌های فکری ایشان است. این رویکرد و مفهوم احیای حقوق عامه که از ثراث فقه شیعه است در کلام و رویکرد ایشان نیز تجلی یافته کما اینکه با همان ادبیات، ایشان نیز بیان می‌دارد: «حاکم موظف است تمام همت خود را در اجرای احکام اسلامی و اقامه حدود الهی و حفظ حقوق عامه مصروف دارد و مصالح عامه را بر مصالح خاصه مقدم دارد.» (مهدوی کنی، ۱۳۷۵) این وظیفه حاکم از دیدگاه آیت الله با نظریه خدمت عمومی نیز تطبیق می‌کند چنانکه با ذکر مکرر روایت رسول الله (ص)، «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفُهُمْ لِلنَّاسِ»، بیان می‌داشتند: «بهترین عبادت، خدمت به بندگان خداست.» از روایات دیگری که ایشان در این زمینه مورد توجه قرار می‌دادند توجه به تأمین نیازهای عامه بود که از حضرت امام حسین (ع) نقل شده است: «إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَجُوزُوا النَّعْمَ» (مجله پیام صادق (ع) ش ۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۵)

«حاکم حق دارد برای پاسداری از حدود و ثغور اسلامی (حدود فرهنگی و جغرافیایی) و جلوگیری از مظالم اجتماعی مردم را بسج کند و بر مردم واجب است او را اطاعت کنند و وی را یاری دهند و چنانچه تخلف کنند گناهکار و مستحق عقوبت و کیفرند. حاکم حق دارد مردم را برای دفاع از اسلام و حقوق مستضعفان اعزام کند و در صورت امتناع آن‌ها را اجبار کند. البته در صورتی که اعزام سرباز به جبهه دفاع عملاً امکان نداشته باشد و به‌طور کلی مردم سرپیچی کنند تکلیف از حاکم ساقط می‌شود. چنانکه امیرالمؤمنین^(ع) در جنگ صفین به چنین وضع اسفباری روبه‌رو شد و مردم در اثر جهل و تعصب از فرمان آن حضرت سرباز زدند و حرمت کتاب خدا را بهانه کردند. گفتند ما با قرآن نمی‌جنگیم و چنانچه علی بر ادامه جنگ اصرار ورزد با او می‌جنگیم. در اینجا بود که حضرت امیر^(ع) فرمود: «و لیس لی أن أحملکم علی ما تکرهون» یعنی اینک که شما از جنگیدن با معاویه امتناع دارید،

من نمی‌توانم شما را به اکراه و اجبار وادار به جنگیدن کنم، بیان مولا در این موقعیت تذکر یک واقعیت است، نه انشای یک حقیقت و قانون. یعنی حضرت می‌گوید با این وضع عملاً دست من بسته است و دیگر قادر به جنگیدن نیستم و برخلاف میل خود آتش بس را می‌پذیرم.» (مهدوی کئی، ۱۳۷۵)

۳. سازوکارهای تأمین و صیانت از حقوق عامه

به صرف شناسایی «حقوق عامه» و محترم‌شناختن آن، این حقوق از تعرض و تجاوز مصون نمی‌مانند. بنابراین باید سازوکارهایی را طراحی کرد که نتیجه اعمال این سازوکارها، به صیانت از حقوق عامه منجر گردد. آیت‌الله مهدوی کئی (ره) نیز چون تجربه مناصب حکومتی را داشتند و البته صاحب اندیشه‌های ناظر به عمل بودند در مقامات و بیانات مختلف، به این سازوکارها تفصیلاً اشاره داشته و آن‌ها را در منظومه حکمرانی اسلامی جای داده‌اند.

۴. تأمین منابع مالی حقوق عامه

حقوق عامه از جنس حقوقی است که بخش عمومی مکلف به تأمین و نگهداشت و استحصالی آن برای عموم مردم است. ازاین‌منظر بسیاری از نهادهای فقهی به‌ویژه موضوعات اصل (۴۵) قانون اساسی که انفال و ثروت‌های عمومی هستند و همچنین زکات، فیه، وقف (عام)، خراج و ارث بدون وارث منابع دولت اسلامی هستند که به‌صراحت غالب منابع فقهی باید برای تأمین مصالح عامه و عمران بلاد هزینه شود. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای انفال یعنی اموال عمومی که در اختیار پیامبر (ص) و جانشینان معصوم او (ع) قرار دارد و در زمان غیبت، اختیار آن با ولی امر مسلمین است (تحت تصرف حکومت اسلامی است) و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره برداری شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، درس هفتاد و چهارم)

۵. تنظیم مداخلات دولت بر اساس رعایت اصل ضرورت و تعادل

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای احترام و صیانت از حقوق عامه، این است که مداخلات دولت برای حفظ حقوق و مصالح عمومی باشد و البته مداخلات به‌نحوی تنظیم شود که از این ضرورت فراتر نرفته و یا با سوءاستفاده از قدرت و اختیارات قانونی، موجبات تضییع حقوق افراد را فراهم نکند. اهمیت این موضوع آنقدر مهم است که هم در اصل نهم قانون اساسی و هم اصل چهارم قانون اساسی به آن اشاره شده است. آیت‌الله خامنه‌ای به این موضوع در تحلیل آزادی بیان اشاره و بر لزوم رعایت مداخله دولت تأکید می‌کنند: «این آزادی دارای یک حدودی است مثل همه چیز دیگر؛ مثل همه‌ی آزادی‌های دیگر. این حدود باید نقض نشود و امروز دریاری این حدود بحث کوتاهی را عرض می‌کنم. قبلاً این نکته را باید

برادران و خواهران توجه کنند که این بحث یک بحث ظریف و دقیقی است. چون از هر دو طرف سوءاستفاده‌هایی شده است و می‌شود. هم به‌عنوان آزادی بیان و آزادی اظهار عقیده کسانی سوءاستفاده می‌کنند و سوءاستفاده‌ها کرده‌اند و علیه مصالح عمومی مردم و به زیان آگاهی مردم اقداماتی را کرده‌اند که در هیچ عرفی و در هیچ منطق درستی جایز نیست. از آن طرف هم به‌عنوان مقابله‌ی با سوء استفاده‌ی از آزادی و به‌عنوان حفظ مصالح، شدت عمل‌هایی و فشارهایی در طول زمان، در طول تاریخ، در همه جای دنیا انجام گرفته است که آن هم قابل قبول نیست. بنابراین اگر گفته شود که اظهار عقیده جایز است، نباید از آن این استفاده را کرد که حتی در موارد آن سوءاستفاده‌ها جایز است و اگر گفته شود که مصالح عمومی و افکار عامه‌ی مردم در جامعه رعایتش لازم است و اگر بیان و اظهار عقیده به ضرر این‌ها باشد جایز نیست، از این هم نباید استفاده کرد که هرجا سوءاستفاده‌ای از نام مصالح بشود، مورد قبول ماست! در نظام اسلامی این حد و مرزی که میان این دو مصلحت بزرگ و این دواصل اسلامی وجود دارد، حد و مرز روشنی است...» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۲/۱۸) دقیقاً همین رویکرد در سیاست‌های کلی نظام نیز سریان یافته است. برای مثال در یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که فضای مجازی و حقوق مردم را به‌نحو تنگاتنگی حفظ^۱ و البته ممکن است برخی اقدامات نهادها و کارگزاران بخش عمومی موجب تهدید این عرصه شود به این موضوع تصریح شده است. در آخرین بند سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات(افتا)» (۱۳۸۹/۱۱/۲۹) به‌نحوی که همه احکام این سیاست‌ها در پرتوی آن فهم شود بیان شده: «۹- رعایت موازین شرعی و مقررات قانونی مربوط به حفظ حقوق فردی و اجتماعی در اجرای این سیاست‌ها».

برای رعایت حقوق و آزادی‌های منفی مثل همین آزادی بیان، مداخله کمتر دولت یا مداخله موجه براساس تأمین منافع عمومی، ضروری است چراکه مداخلات دولت همراه با هزینه است و ضمناً الزامی وجود ندارد که دولت از ابزارهای رسمی برای تنظیم همه روابط و مسائل اجتماعی استفاده کند به علاوه آنکه استفاده از ابزارهای رسمی در تحدید آزادی‌های مشروع باید به‌قدر ضرورت باشد کما اینکه قاعده ضرورت چنین ایجابی دارد یعنی اولاً «الضَّرُورَاتُ تُبَيِّحُ الْمَحْظُورَاتِ» و ثانیاً «الضَّرُورَةُ تَقْدَرُ بِقَدَرِهَا». درواقع یک منطقه‌ای وجود دارد که منطقه عدم مداخله دولت است همان‌طور که شارع هم حکم تکلیفی بیان نکرده است. در منطقه السکوت از نظر آیت‌الله مهدوی (ره) اصل بر مداخله حداقلی و البته تدبیر براساس اصول کلی اخلاقی است. چراکه مداخله زیاد حق افراد را تضییع می‌کند. «بنای

۱. در جزء (۵) بند (۱) ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات(افتا)» در خصوص تبیین «امنیت شبکه‌های الکترونیکی و سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کشور» آمده است: «حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع و سرمایه‌های مادی و معنوی».

شارع مقدس این نبوده است که در کارهای ریز و درشت ما دخالت کند و اگر مبنای ما این باشد باید همه کارهایمان را تحت یک عام یا مطلق قرار دهیم. امام علی (ع) می فرمایند: «سَكَتٌ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يُسَكَّتْ عَنْهَا نِشَانًا لَهَا فَلَا تُكَلِّفُهَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَكُمْ فَأَقْبِلُوهَا» یعنی شارع مقدس در برخی چیزها سکوت کرده است. «(مهدوی کنی، بی تا، ۲۱۰؛ ۱۳۸۳: ۲۴۵) ازاین منظر دین لزوماً در همه جزئیات دخالت نکرده و جزئیات را برعهده تجربه بشری گذاشته است. (مهدوی، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۳۰) این رویکرد تا حدودی مشابه با منطقه العفو یا منطقه الفراغ مبتنی بر نظریه شهید صدر (ره) است. مرحوم مهدوی (ره) با تصریح به این منطقه بیان می‌دارد: «دین اصولی دارد. آن اصول را در قالب مسائل فنی، به تناسب زمان پیاده کرده و با یکدیگر توأمان کنید. در جایی که دین، منطقه الفراغی دارد یا به‌طور کلی سکوت کرده، با همان اصول کلی اخلاقی و ارزشی، این مسائل را باهم همراه کنید.» (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) بنابراین ایشان معتقدند که منطقه سکوت، منطقه‌ای است که باید امر به مردم و جامعه واگذار و براساس اصول اخلاقی اداره شود تا الزام حکومتی.

۶. حق بر نظارت مردمی

وقتی مبانی «حقوق عامه» از دیدگاه هر دو اندیشمند، آموزه‌های اسلامی باشد بدون تردید در رأس واجبات، امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر موضوع اصل هشتم قانون اساسی^۱ قرار می‌گیرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین ارزش امر به معروف در راستای تأمین مصلحت و حفظ نظام جامعه ذیل تشریح حکمت دویست و پنجاه و دوم نهج البلاغه (صباحی صالح) بیان می‌دارند: «والا امر بالمعروف مصلحه للعوام» فرمان دادن به نیکی و امر به معروف را برای تأمین مصلحت عامه‌ی خلق واجب کرد. اگر چنانچه امر به معروف در اجتماع نباشد کارهای نیک انجام نگیرد. مردم هرکدام خود را مسئول کار نیک و راه نیک دیگران ندادند، رشته اسلام از هم می‌گسلد. وظیفه همگان است که همچون آجری در بنایی، آجرهای دیگر را حفظ کند و خودشان به‌وسیله آجرهای دیگر حفظ شوند و این است امر به معروف. در باره فلسفه امر به معروف تازگی‌ها بحث نکرده‌ام. شاید سابق‌ها، در چند سال قبل، در همین مجالس و محافل درس و سخنرانی که بوده، صحبت کرده‌ام. امر به معروف و نهی از منکر دو نگاهبان و دو ضامن و دو پرافروزشده‌ی دانسی انقلاب اسلامی‌اند؛ هر کسی می‌خواهد موضوع امر به معروف را بشناسد به این جمله دقت کند؛ دو روشن‌نگاه‌ارنده کانون انقلاب اسلامند. در طول

۱. «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر»».

تاریخ حسین بن علی (ع) می گوید من برای امر به معروف آمدم.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۲۳۴-۲۳۵) بنابراین از دیدگاه ایشان بقای اسلام و انقلاب به امر به معروف است به‌ویژه وقتی موضع امر به معروف را با اشاره به قیام حسینی، کلیت جامعه و امر حکمرانی می‌دانند.^۱ از طرف دیگر ایشان، بیان مانع انحراف نظام را واجب می‌دانند: «اسلام یک خصوصیت دیگری دارد و آن این است که یک جاهایی عدم بیان را اسلام ممنوع کرده. یعنی مسئله فقط این نیست که بیان کردن مجاز است، بلکه بالاتر از این، بیان نکردن حرام است. یک جاهایی باید بیان کرد؛ آنجاهایی که کتمان حقیقت علیه مصالح نظام اسلامی است، علیه منافع رشد فکری جامعه است، آنجا بیان واجب است، کتمان حقیقت حرام است، که این هم یکی از خصوصیات اسلام است که آیات فراوانی در قرآن دارد؛ برادرانی که می‌خواهند دنبال کنند، آیات بیان و تبیین: «لَتَبَيِّنَنَّ لِّلْقَاسِ وَ لَّا تَكْتُمُونَه»، (آل عمران: ۱۸۷) آیات کتمان، این‌ها را در قرآن ملاحظه کنید، خواهید دید که بیان کردن و ارائه‌ی حقیقت کردن در یک جاهایی لازم است و این تضمین واقعی بقای نظام بر خط اسلام است. یعنی اگر مصالح نظام اسلامی و مصالح مسئولین، مصالحی که ارتباط به اسلام دارد، نه مصالح شخصی‌شان، آن‌قدر مهم است که یک جاهایی بیان کردن را غیر مجاز می‌کند، اما همین نظام، همین دستگاه، همین مسئولین، اگر قرار شد از خط اسلام منحرف بشوند، اگر بنا شد که راه را عوضی بروند، اگر سرنوشت نظام اسلامی تهدید به انحراف از مبانی اسلامی شد، اینجا تکلیف چیز دیگری می‌شود، اینجا بیان کردن واجب است، امر به معروف و نهی از منکر لازم است، نصیحت لائمة المسلمین لازم است و افشای حقایق برای مردم لازم است که مجموعه‌ی این‌ها نظر اسلام را در باب بیان و آزادی اظهار عقیده روشن می‌کند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۲/۱۸) البته این وظیفه صرفاً وظیفه مردم نیست بلکه بین مسئولین هم باید این قاعده حاکم باشد: «بالآخره شما وزرای ما هستید، کارگزاران ما هستید، همکاران ما هستید، و ما مدیونیم به شما از این جهت؛ از جهات مختلفی بالآخره حقی بر گردن ما دارید. حقوق متقابل است؛ ما هم به گردن شما حق داریم، شما هم به گردن ما حق دارید. شاید یکی از حقوق شما همین باشد که ما یک وقتی، یک کلمه‌ای به‌عنوان نصیحت عرض بکنیم.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۶۶)

آیت الله مهدوی کنی نیز بر لزوم موضع‌شناسی این مهم تأکید دارند: «مردم نیز حق دارند حقوق خدا و خود را از حاکم بخواهند و مظالم و تخلفات مسئولان و کارگزاران دولت را به اطلاع حاکم برسانند و از او دادخواهی کنند.» (مهدوی کنی، ۱۳۷۵) «پاسخ‌خواهی» بر مدار امر به احکام شارع و تحذیر از منکرات رکن نظام اسلامی است که از نظر مهدوی کنی (ره)، آن را متفاوت از دموکراسی‌های

۱. از نگاه ایشان امر به معروف واقعی، امر به معروف مؤثر به حال جامعه است و نه نمونه‌های کوچک و مصادیق غیر مؤثر همانند امر به پوشیدن جادر توسط یک دختر بچه هشت نه ساله. (خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۲۳۵)

غری قرار می‌دهد که صرفاً حکومت و مشارکت را حق فرض می‌کند. در حالی که در نظام سیاسی اسلام که در نظر آیت‌الله مهدوی کئی، «دین‌سالاری مردمی»^۱ است مشارکت سیاسی و امور اجتماعی هم حق و هم تکلیف است. بنابراین مردم نسبت به تخلفات و کژی‌های حاکمیتی که تخطی از مصالح عامه نیز می‌باشد وظیفه خیرخواهی و مطالبه دارند تا دچار ظلم‌هایی همانند مظالم حکومت فظالمان لا قید نشوند. «اگر مردم در برابر جریان حاکم بی‌تفاوت بودند و حکومت به انحراف کشیده شد، افراد امت در درگاه خدا مسئول و معاقب خواهند شد. «این سیدالشهداء (علیه‌السلام) خطب اصحابیه و صحاب‌الحر فحمدا لله و اثنی علیه ثم قال: ایها الناس ان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: من رأى سلطان جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهده الله مخالفا لسنه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل ولا قول کان حقا علی الله أن یدخله مدخله». سیدالشهداء (علیه‌السلام) هنگام رویارویی با لشکر حر پس از حمد و ستایش حق فرمود: «ای مردم! پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هرکس سلطان جائری را مشاهده کند که حرام خدا را حلال می‌داند و از پیمان خدا تخلف می‌ورزد و با سنت فرستاده خدا مخالفت می‌ورزد و در جامعه با بندگان خدا به گناه و عداوت می‌پردازد و در برابر او به مبارزه پرنخیزد و یا اعتراض نکند، سزاوار است خدا او را به جزای آن سلطان برساند.» (مجله پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی سال ۱۳۸۱، صص ۲-۵)

ضمن اینکه از نظر مرحوم مهدوی کئی، این تکلیف اولاً با تکلیف در حکومت‌های قرون‌وسطایی

۱. «تعبیر من، دین‌سالاری مردمی است. دین‌سالاری مردمی به این معنی است که دین، سالار و حاکم بر مردم است و این مردم‌اند که در عین اراده و اختیار مسئول و مکلف‌اند. اگر دین را پذیرفتند، دین بر آن‌ها حکومت می‌کند و اگر نپذیرفتند به تکلیف عقلی و فطری خویش عمل نکرده‌اند، تاوانش را باید بپردازند.» همچنین «واژه دین‌سالاری با مردم‌سالاری یک مفهوم اضافی است و نخست در شناخت این مفهوم اضافی، این پرسش مطرح می‌شود که دین یا مردم با وصف سالاری‌بودن، بر کجا و چه کسانی سالار است؟ سالاری‌بودن دین مفهومی قابل درک است؛ یعنی دین بر مردم حاکم باشد و این، حاکمیت یک قشر به نام روحانی فقیه عالم نیست؛ زیرا دین، اسلام است، و اسلام، مجموعه مقررات و اصول مبانی است و مقررات دین، در جامعه حکومت می‌کند. اینکه مقررات چگونه و با چه عواملی اجرا شود، خود دین آن را مشخص کرده است و با وجود فرض تکرر قرائت‌ها در دین، همان قرائتی متبع است که با تشریفات خاص اراده مردمی به‌صورت قانون در آمده است. اما مردم‌سالاری قدری ابهام دارد که مردم، سالار بر چه کسی هستند؟ آیا همه مردم (یعنی فرد فرد) سالار و حاکم بر همه مردم (یعنی فرد فرد جامعه‌اند؟) که چنین حکومتی قابل تصور نیست، یا اکثریت بر اقلیت سالارند؟ به این معنا که می‌توان حکومتی را اکثریت مردم تشکیل می‌دهند و اقلیت، رعیت و تحت حکومت این اکثریت هستند که و آن‌ها را روسو در کتاب قرارداد اجتماعی خود، دموکراسی واقعی را این‌گونه تفسیر می‌کند و در آخر هم اظهار می‌کند، چنین حکومتی در یک روستای کوچک یا در یک جزیره بسیار کم جمعیت ممکن است قابل اجرا باشد اما در کشورهای امروز دنیا قابل اجرا نیست. پس مقصود از مردم‌سالاری حکومت، نهادهای مردمی است که این نهادها مردم نیستند بلکه منصوب یا منتخب مردم‌اند...» (مجله پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی سال ۱۳۸۱، صص ۲-۵)

تفاوت دارد و ثانیاً یک تکلیف موجد حق و حق بنیاد است. «این تکلیف برای جامعه اسلامی از نوع تکلیفی که نظام‌های دینی کلیسائی قرون وسطایی برای مردم قائل بودند، نیست. آن‌ها مردم را در برابر حکومت مکلف می‌دانستند که فقط از اوامر و فرمان‌های حکومت، بدون چون و چرا اطاعت کنند و این تکلیف در برابر حکومت، تکلیف در برابر خدا بود، اما تکلیف مشارکت سیاسی برای مردم در جامعه اسلامی، تکلیف در برابر حکومت نیست؛ بلکه تکلیف در برابر خداست و ادای یک وظیفه شرعی است که به این وسیله، مردم در حکومت صاحب نقش می‌شوند، نه مطیع محض و بی‌قید و شرط. به تعبیر دیگر، این تکلیف برای مردم در حکومت «حق‌زا» است و مردمی که به‌طور کامل به این تکلیف عمل می‌کنند، صاحب حقی می‌شوند که جریان حاکم در برابر آن‌ها مسئول خواهد بود.» (مجله پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی سال ۱۳۸۱، صص ۲-۵)

هرچند بعضاً روی سخن مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (ره) به مقامات بود ولی برای مردم هم براساس الزامات مربوط به امر به معروف و اصل هشتم قانون اساسی، برای مطالبه حقوق عامه تکلیف مطالبه و اقدام و خیرخواهی برای حکمرانی قائل بودند و با اشاره به روایاتی از جمله «فُلَانُهُ مَنْ أُلْبَغَ سُلْطَانًا حَاجَةً مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ إِبْلَغَهَا - ثَبَّتَ اللَّهُ قَدَمَيْهِ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» بیان می‌کردند که «حوائج و گرفتاری‌های مردم را بازگو کنید و ناراحتی‌ها را بگویید. اقلأ اشکال‌های کار مسئولان را به خود آن‌ها بگویید و ترسید و نخواهید که پیش مسئولان محجوب باشید...» (نماز جمعه ۱۶ / ۹ / ۱۳۶۳) این ایجاد انتظار و مطالبه در مردم، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای احیای حقوق عامه است که همچنان در الزامات و هنجارهای حقوقی مفقود و یا به نحو محدودی از جمله ماده (۸) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴) یا ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۳ و اصلاحات آتی) لحاظ شده است و لازم است در تصویب «قانون صیانت از حقوق عامه» مورد توجه قرار گیرد.

۷. تربیت کارگزاران براساس اصول اخلاقی حکمرانی

آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مهدوی (ره) هر دو بر تربیت کارگزاران براساس اصول اخلاقی حکمرانی تأکید دارند چراکه نتیجه حکمرانی برای باید هم رضایت عمومی و هم اهلان حکومت اسلامی را که بنا بر آموزه‌های علوی باید استصلاح امور عامه (نامه ۵۳ نهج البلاغه) و اجرای احکام اسلامی است بینجامد. تأکید هر دو فقیه در جلسات عمومی و اختصاصی بر آموزه‌های علوی نیز باید در همین مسیر فهم شود. آیت‌الله خامنه‌ای در شرح خطبه سوم نهج البلاغه و در تبیین اینکه جایگاه قدرت و ریاست برای امام علی (ع) به مثابه «عقظه عز» است، علت پذیرش و اعمال حکومت را در دولت علوی برقراری

نظم عمومی، استقرار عدالت و استیفای حقوق محرومان و مظلومان بیان می‌کند. «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ» پروردگار عالم بر علما، بر دانشمندان و آگاهان جامعه پیمان گرفته است که «أَلَّا يَقَاؤُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ»، نیارامند، آرام نگیرند، قرار نگیرند در مقابل سیری بی حد ستمگر و گرسنگی و تهدستی مظلوم و ستمکش؛ این وظیفه علما و آگاهان است. وقتی عالم اسلامی در مقابل خود نابسامانی را می‌بیند، وقتی که گرسنگی‌ها و سیری‌های افراطی را می‌بیند، وقتی ظلم و اختلاف طبقاتی را در میان انسان‌ها مشاهده می‌کند، بنا به حکایت و گفته امیرالمؤمنین پیمان خدایی بر دوش او سنگینی می‌کند که «أَلَّا يَقَاؤُوا» قرار نگیرید، نیارامند، احساس آسایش و آسودگی نکنند. «(خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۴۸) ایشان برای عالمان نقش حصن که در روایات مکرر بیان شده، در نظر دارند به این ترتیب که «بنده غالباً در مقام تصور، عالم دینی و عالم اسلامی را در ذهن خودم تشبیه می‌کنم به دیده‌بان یک قلعه؛ یک قلعه را در نظر بگیرید که مسکن یک عده انسان است. «(خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۴۹)

مرحوم آیت‌الله مهدوی (ره) هم شخصاً فردی اخلاقی بود و هم قائل نبود به صرف قواعد فقهی می‌توان حکمرانی کرد در نتیجه اخلاق را به عنوان یکی از مبانی آموزشی در دانشگاه امام صادق (ع) که آن را برای کادرسازی و حل مسائل نظام ایجاد کرد^۱ به‌عنوان یکی از دروس الزامی در نظر گرفت. ایشان با تشکیل کلاس اخلاق برای دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) و صرف وقت منظم و مکفی، بارها در جمع دانشجویان می‌فرمود: «طوری رفتار کنید که اگر شما را دیدند، بگویند هذا ادب جعفر ...»^۲

۱. «حدیث الفقهاء حصون الإسلام روی فی الکافی، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن علي بن أبي حمزة، قال: سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام) يقول: «إذا مات المؤمن بكت عليه الملائكة وبقيت الأرض التي كان يبعد الله عليها وأبواب السماء التي كان يصعد فيها بأعماله وتلم في الإسلام ثلثة لا يسدها شيء، لأن المؤمنين الفقهاء حصون الإسلام كحصن سور المدينة لها.» (الکافی ۱/ ۲۸). کتاب فضل العلم، باب فقد العلماء، الحديث ۳.

۲. این کارکرد هم در چشم‌انداز دانشگاه امام صادق (ع) که توسط آیت‌الله در مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ امضا شده و هم در بیانیه چشم‌انداز دانشگاه که در ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ توسط ایشان امضا شده، مورد توجه قرار گرفته است.

۳. إلی أسامة زليو الشحام قال قال لي أبو عبد الله (ع): «اقرأ على من ترى أنه يطيعي منيهم و تأخذ بقولن السلام و أوصيكنم بقول الله عز و جل و الزوع في دينكم و الإجهاد لله و صدق الحديث و أداء الأمانة و طول السجود و حسن الجوار فهذا جاء محمد ص أدوا الأمانة إلى من التفتنكم عليها براء أو فاجر فإن وشول الله من كان يأمر بآداء الخيط و المخطي - صلوا عشائركنم و شهدوا جنازتهم و عودوا مرصاهم و أدوا حقوقهم فإن الرجل منكم إذا ورع في دينه و صدق الحديث و أدى الأمانة و حسن خلقه مع الناس قبل هذا جعفرى قسرتى ذلك و يدخل علم من منه الشور و قبل هذا أدب جعفر و إذا كان على غير ذلك دخل على بلاؤه و عاؤه و قيل هذا أدب جعفر فوالله لأحدثنى ليس ع أن الرجل كان يكون في القبيلة من شيعة علي ع فيكون زينها آتاهم للأمانة و أقتضاهم للحقوق و أصدقهم بالحديث إليه وصاباهم و ذابهم ثم نال المشيرة عنه فقول من يمل فلان إنه لا نانا للأمانة و أصدقنا للحديث.

زيد الشحام گوید: حضرت صادق (علیه‌السلام) به من فرمود: به هر کس از مردم که بینی پیروی از من کند و به گفتار

یعنی این نحوه رفتار، همان آداب و سلوک امام جعفر صادق^(ع) است که در روایت زید الشحام در رفتار شیعیان بیان شده است. این تربیت کارگزاران به صراحت ناظر به آلام بشری و مسئله استیفای حقوق تضییع شده آن‌ها از طریق تلاش‌های دانشگاهی در بند نهم بیانیه تأسیس دانشگاه مورد تصریح قرار گرفته و ایشان ذیل بیانیه را خود رأساً امضا کرده‌اند: «متعهد بودن دانش و دانشگاهیان در قبال عدالت، حرمت و کرامت انسانی، حفظ نعمت‌های الهی و محیط زیست و مشکلات و آلام بشری.» (بیانیه چشم انداز دانشگاه: ۱۳۸۱) لازم به ذکر است که از مهم‌ترین عوامل تأمین حقوق عامه و رفع زمینه‌های فساد نیز الزام و التزام به «اخلاق حرفه‌ای» است که در قوانین متعدد از جمله ماده (۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده (۷) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ماده (۸) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد و آیین‌نامه ارتقای اخلاق حرفه‌ای در نظام اداری مورد تأکید قرار گرفته است.

۸. تنظیم رفتار کارگزاران

کارگزاران باتوجه به اختیاراتی که دارند ممکن است با اهمال و تسامح یا با سوء استفاده از اختیارات یا به واسطه موقعیت‌های تعارض منافع و پسا شعلی، موجبات تضییع حقوق عامه را فراهم کنند. این آسیب‌ها از زمره مهم‌ترین آسیب‌هایی است که هم حقوق ملت و هم مشروعیت دولت را تهدید می‌کند. مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی^(ح)، با تمسک به الگوی حکمرانی علوی، و از باب النصیحه لائمه‌المسلمین، خطاب به کارگزاران در قالب قاعده «النصیحه لائمه‌المسلمین» بیان می‌کند: «به‌عنوان

من عمل کند سلام مرا برسان، و من به شما سفارش کنم که نسبت به خدا عزوجل تقوی و پرهیزگاری داشته باشید و در دین خود پارسا باشید و برای خدا کوشش کنید، و به راستگویی و به اداء امانت و طول دادن سجده و نیکی با همسایه شما را سفارش می‌کنم؛ زیرا محمد (صلی‌الله علیه و آله) همین دستورها را آورده است هر که به شما امانت سپرده به او پس بدهید نیک رفتار باشد یا بدکردار، زیرا رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) دستور می‌داد که سوزن و نخ را نیز به صاحبش پس دهید، و با خاندان خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده‌هاشان حاضر شوید و بیمارانشان را عیادت کنید، و حقوقشان را بپردازید، زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا باشد و راستگو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد گویند: این جعفری است و این مرا شاد کند و از جانب او بر من شادی و سرور وارد شود و گویند: این ادب (و فرهنگ) جعفر (بن محمد) است و اگر جز این باشد بلا و ننگ او بر من وارد شود و گویند: این ادب (و فرهنگ) جعفر است. به خدا سوگند پدرم برای من حدیث کرده که مردی از شیعیان علی (علیه السلام) در قبیله‌ای بود و زینت آن قبیله به‌شمار می‌رفت، از همه آن‌ها در پرداخت امانت بهتر بود، و حقوقشان را بهتر مراعات می‌کرد، و در گفتار راستگوتر بود، و سفارش‌ها و همه وصیت‌های اهل قبیله و سپرده‌هاشان را آنان بدو می‌سپردند و چون از او پرسش می‌کردی می‌گفتند: کیست مثل فلان کس؟ او در ادای امانت و راستگویی از همه ما بهتر است. (اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۴۹)

تذکر و نصیحت مناسب است چند جمله از نامه آن حضرت به عثمان بن حنیف فرماندار بصره (نامه ۴۵ نهج البلاغه) را به سمع مبارکتان برسانم. فرمود: «هر گروهی، امامی و پیشوایی دارند که به او اقتدا می‌کنند و از نور علم او بهره می‌گیرند؛ بدانید و آگاه باشید که امامتان از دنیای شما به دو قرص نان جوین و دو پیراهن کرباس پسندیده کرده است. البته که شما نمی‌توانید مانند من زندگی کنید؛ لکن فاعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد؛ پس مرا به تقوا و کوشش در راه خدا و پایداری و پاکدامنی یاری دهید؛ یعنی لا اقل کوشا و با تقوی باشید و عفت و پاکدامنی را حفظ کنید و در راه حق با ثبات و سداد گام بردارید.» (مجله پیام صادق، شماره ۳۵، خرداد و تیر سال ۱۳۸۰، صص ۸-۱۰) این توصیه‌ها نه صرفاً جنبه اخلاق فردی که جنبه اخلاق حکومتی دارد و در نظام‌های حقوق اداری، ذیل مباحث اداره خوب و منشور اخلاق حرفه‌ای نسبت به عملکرد کارمندان اعم از عالی و دانی، اعمال می‌گردد کما اینکه فصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری تحت عنوان «حقوق مردم» چنین هنجاری را وضع و در ماده (۹۰) همین قانون ارکان آن را احصا می‌کند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

حضرات آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مهدوی کنی^(د)، هر دو از جمله فقهای هستند که مفاهیم را در دستگاه فقه حکومتی فهم کرده و توضیح می‌دهند بنابراین هم خود ملتزم به حقوق عامه به‌عنوان حقهای دارای من له الحق عام و مربوط به «کل جامعه» بوده و هم این توصیه را براساس آموزه‌های دینی و علوی به کارگزاران می‌نمایند. مضافاً اینکه مقام معظم رهبری این مفهوم را در سطح حکمرانی تکلیف نیز کرده‌اند و به‌طور مشخص اولاً موضوع سیاست‌گذاری در این حوزه را مورد توجه قرار داده و درثانی نهادهای خاصی از قوه ازجمله نهاد دادستانی و دیوان عدالت اداری را موظف به اقدام کرده‌اند. البته هر دو اندیشمند بر وجه مردمی حقوق عامه نیز تأکید دارند و مردم را به نظارت بر حکومت برای تحقق اصل (۸) قانون اساسی فرا خوانده‌اند.

مرحوم مهدوی کنی (ره)، ایشان یک سیاستمدار صادق با مردم و عامه ایشان بود و نشانه این صداقت این است که سیاست اخلاقی و اصولی را در چارچوب نظریه ولایت فقیه و با ملاحظه مصالح ملت و حقوق عامه تبیین می‌کند. نظامی که دین‌سالار مردمی است و «این مردم‌اند که در عین اراده و اختیار مسئول و مکلف‌اند.» از نظر ایشان انقلاب اسلامی نه تنها در مقام ایجاد بلکه برای بقا و تداوم نیازمند التزام به ارزش‌های بنیادین دینی و آزادی‌خواهی در پرتوی آموزه‌های دینی دارد. بنابراین باید سال‌های پیش روی انقلاب، سال‌های اهتمام به حقوق عامه، گسترش عدل و داد و جلب اعتماد عمومی نسبت به آبادانی کشور و رفاه نسبی ملت باشد. در سیره عملی نیز با داشتن مسئولیت‌های خطیر و عالی، به‌صراحت با تکیه بر مشی فقهی و الزامات حقوق ملت مندرج در قانون اساسی، از

تعرض به حقوق مردم اجتناب و از همراهی با افرادی که با نام انقلاب، رفتارهای تضییع کننده حقوق مردم را داشتند احتراز کردند.

مرحوم در مجالس و مقام های متعددی که با مردم داشتند برای تضمین بقای ارزش های مذکور، آن ها را به پاسخ خواهی از کارگزاران و دولت در چارچوب الزامات قضی اصل هشتم قانون اساسی دعوت می کنند و توأمان در جلساتی که با مسئولان و کارگزاران داشته اند و آن ها را به عدم مداخلات بسیار و غیر متناسب با الزامات قانونی و ضرورات موجه در امور مردم و رعایت اخلاق حکمرانی و حقوق ملت متذکر می شوند سازوکارهایی است که مرحوم از همان سال های ابتدایی انقلاب، برای صیانت از حقوق عامه به عنوان تکلیف حاکم بیان می نمایند و هنوز هم می تواند با بسط سامانه های نظارت مردمی و تنظیم رفتارهای مقامات و کارگزاران در قالب اصل صلاحیت و اصل حاکمیت قانون، مبنای تأمل و توجه ویژه در تدوین و بازنگری قوانین از جمله لایحه «صیانت از حقوق عامه و آزادی های مشروع» باشد که در سرفصل های سند تحول قضائی از اهم موضوعات محسوب می گردد.

به شرح نمودار زیر ایده ها و اندیشه های هر دو اندیشمند به نحو مقارنه بیان شده است که به دلیل مبانی، دستگاه تحلیل و تجربیات حکمرانی، شباهت های قابل توجهی بین هر دو اندیشمند وجود دارد.

آیت الله مهدوی کنی (ره)		آیت الله خامنه ای
مفهوم حقوق عامه	حق مردم و تکلیف دولت و کارگزاران	حق مربوط به زندگی عامه مردم حق های فراگیر
	عرصه عمومی	بازار فضای مجازی
ابزارهای صیانتی	بیانات در دروس درج دیدگاه در بیانیه رسالت دانشگاه	اندراج در سیاست های کلی اندراج در حکم انتصاب رؤسای قوه قضائیه بیانات در دیدار با مسئولان قضائی
	بخش عمومی	سیاست گذاری قانون گذاری تحول نظام قضائی انجام وظیفه دامن سازی ها و دیوان عدالت اداری
سازوکارهای صیانت از حقوق عامه	بخش مردمی	دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر رسیدگی به شکایات مردم
		دعوت به خیر تصحیح بین مسئولان امر به معروف و نهی از منکر رسیدگی به شکایات مردم

منابع

الف) کتب

- آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم (۱۴۰۶ق)، حاشیه کتاب مکاسب، تهران: وزارت ارشاد.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ إِلَى تَخْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ، دار حياء التراث العربي، بيروت لبنان، ج ۸.
- خوانساری، سید احمد (۱۳۶۴) جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق، ج ۳.
- خواجهمسروی، غلامرضا (۱۳۹۶)، خاطرات آیت الله مهدوی کنی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۳)، شرح نهج البلاغه، منشور حکومت علوی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۳)، راه روشن مدیران، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خمینی (امام)، روح الله (۱۳۷۱)، کتاب البیع، ج ۱.
- خمینی (امام)، روح الله (۱)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۶.
- صافی، الشیخ لطف الله (بی تا)، مجموعه الرسائل، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
- الطباطبائی الحکیم، سیدمحسن (۱۳۷۱)، نهج الفقاهة تعلیقات علی کتاب البیع من المکاسب للانصاری، نجف، ج ۱.
- طباطبائی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۳۷۸)، حاشیه المکاسب، ج ۱.
- کاشف الغطاء، شیخ حسن (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة (کتاب الوقف)، مؤسسه کاشف الغطاء، ج ۱، ص ۳.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۲)، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع) برپایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: انتشارات دارالحديث، جلد: ۴.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۹)، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا (بی تا)، تقریرات آیات الاحکام اقتصادی، تحقیق و تقریر: عطاء الله رسنگار، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، عقل و دین، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۲)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.

ب) مجلات

- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، مجله پیام صادق، شماره ۹، بهمن و اسفند، صص ۴-۹ و ۳۱-۳۴.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، مجله پیام صادق، شماره ۳۵، خرداد و تیر سال ۱۳۸۰، صص ۸-۱۰. (پیام حضرت آیت الله مهدوی کنی به همایش ابعاد حکومت دینی از دیدگاه امام علی (ع))
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی، مجله پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی سال ۱۳۸۱، صص ۲-۵.

- مهدوی، محمدسعید (۱۳۹۰)، بازسازی اندیشه آیت‌الله مهدوی‌کنی در تولید علوم انسانی - اجتماعی اسلامی؛ فصلنامه راهبرد فرهنگ، از نظر تا تطبیق، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۴۲.
- خمینی، سیدحسن (۱۳۹۴)، حقوق مردم در حکومت دینی، ویژه‌نامه همایش حقوق مردم و حکومت دینی در اندیشه امام‌خمینی (س)، ص ۱۱.

ج) سایر

- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۸)، اجتهاد شیعی؛ پاسدار حقوق عامه، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۳. به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=43768>
- امام خمینی (ره) (۱۳۶۱)، فرمان هشت ماده‌ای امام‌خمینی (س) درباره حقوق مردم.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۳)، نگاهی گذرا به زندگینامه حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۷/۱، farsi.khamenei.ir.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، درس هفتاد و چهارم، جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27744>
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، چشم‌انداز دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، حواشی بر «مبانی نقش زمان و مکان در استنباط از دیدگاه امام‌خمینی و شهید صدر (بررسی مقایسه‌ای)»، رساله دکتری نوشته اصغر آقامهدوی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، یادداشت‌های کوتاه، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی: <http://mahdavikani.ir>.

د) کتب لاتین

- Simić, Olivera (2016), An Introduction to Transitional Justice, Taylor & Francis.

